



حواس پنجگانه باطنی

پیش از این گفتیم که برای درک هر چیزی در عالم اعراض باید از حواس یا مشاعر پنجگانه ظاهری (بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی و لامسه) استفاده کنیم.

اما در این عالم، اشباح و حقایقی است که با اعراض و ماده قرین نمیشوند و برای درک آنها لازم است از حواس باطنی استفاده شود، که عبارت اند از: خیال، وهم، فکر، عالمه و عاقله.

قبل از توضیح حواس باطنی لازم است توضیحی پیرامون حس مشترک داشته باشیم. حس مشترک برزخ و واسطه ای است بین حواس باطنی و ظاهری. چرا که حواس ظاهری به تنهایی قادر به حفظ صور ماده نیستند و فقط در همان لحظه ای که پدیدار است میتوانند از آن تصویر برداری کنند مانند آیینه که تا زمانی که شاخص روبروی آن باشد آن را نشان میدهد. اما این حس مشترک است که صورت برداری حواس ظاهری را دریافت کرده و مدت کمی آن را تثبیت میکند و برای حفظ و تجزیه و تحلیل به حواس باطنی ما فوق خود میرساند.

بخواهیم در این مورد مثالی را در علم روز بیان کنیم، چشم، گوش و غیره مانند دیوایس های ورودی یک کامپیوتر (مانند میکروفون، دوربین، اسکنر و غیره) عمل میکنند. حس مشترک مانند رم حافظه ای موقت است که اطلاعات را به طور موقت دریافت میکند و تحویل هارد و سی پی یو و اجزایی از این

قبیل میدهد که مانند حواس بالاتر باطنی هستند.

خیال: خیال صور را از حس مشترک دریافت کرده و بخلاف ما دون خود آن را ذخیره میکند حتی اگر آن شیء فانی شود. البته خیال به حواس ظاهری وابسته است چرا که اگر حواس ظاهری را نداشته باشیم نمیتوانیم چیزی را خیال کنیم، مانند کوری که رنگ قرمز را ندیده باشد خیال آن را هم نمیتواند بکند.

وهم: وهم از صورت های خیالی که بر پایه دریافت هایی که از حواس ظاهری داشته استفاده کرده و از آن استنباط میکند. به عنوان مثال زمانی که فرار یک گوسفند از گرگ را ببیند به ترس گوسفند پی میبرد و سایر استنباطاتی که از هر چیزی انجام میشود.

فکر: فکر رابطه بین دو معنی وهمی یا ترکیبی از صور خیالی و وهمی یا دو صورت خیالی را تحلیل میکند. مانند اینکه در مثال بالا به این پی میبرد که در صورت گرفتار شدن گوسفند توسط گرگ خورده خواهد شد و این باعث سیر شدن گرگ است.

عالمه: عالمه، صورت های خیالی را به تنهایی و به صورت کامل درک میکند، و به جزئیات آن مصداق آگاه میشود به عنوان مثال گوسفند را به شخصه بررسی کرده و درک میکند که حیوانی است چهارپا با فلان رنگ و شکل الی اخر...

عاقله: عاقله معانی وهمی را به تنهایی و کامل درک میکند بدون توجه به اعراض. به عنوان مثال به مطلق گوسفند آگاه است و توجهی به جنسیت و رنگ و ظواهر آن ندارد.

چیزی که در تمام این حواس باطنی، مشترک است این است که همه به حواس ظاهری محتاجند و به آن برمیگردند و از دریافتی های آنها استفاده میکنند.